

کنوانسیون منع سلاح های شیمیایی و امکان تعقیب کیفری مرتکبین در ICC

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۲۰ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۲/۲۷)

امید امامی

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

چکیده:

یکی از ملاحظات شدید امنیتی در وقوع نزاع و جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، دغدغه استفاده از سلاح شیمیایی است که متأسفانه بر خلاف سلاح اتمی، در اختیار اکثر کشورهای جهان است. آثار فوق‌العاده مخرب استفاده از این سلاح بر روی محیط و انسان‌ها و علی‌الخصوص افراد بی‌دفاع و غیرنظامی، سازمان‌های بین‌المللی را بر آن داشت تا به سمت و سوی کنوانسیون منع سلاح شیمیایی بروند و بر این اساس کشورها را ملزم کنند که تحت هیچ شرایطی از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکنند. بدیهی است که اینگونه محدودیت‌ها نیازمند پیش‌بینی دقیق ضمانت اجرا خواهد بود زیرا هستند افراد یاغی و دولت‌هایی که علی‌رغم محدودیت‌ها و اعمال فشار بین‌المللی اقدام به کاربرد سلاح شیمیایی می‌نمایند، بخشی از این ضمانت اجراها از طریق ICC و تحت شمول قرار دادن صلاحیت‌های این مرجع است و بخش دیگری را نیز خود سازمان ملل از طریق شورای امنیت با وضع تحریم و محدودیت و یا اقدام نظامی با توجیه دکترین مسئولیت حمایت و اقدام بشردوستانه به دوش می‌کشند. در پژوهش پیش رو که به روش توصیفی و تحلیلی تهیه و تنظیم شده است قصد آن داریم تا این موضوع را که آیا استفاده از سلاح شیمیایی در زیرمجموعه صلاحیت‌های ICC قرار می‌گیرد تا این مرجع توان تعقیب آن را داشته باشد را مورد مطالعه و مذاقه قرار خواهیم داد.

۱۴۹





بخش اول: کلیات

استفاده و حمله به اشخاص غیرنظامی با استفاده از سلاح‌های شیمیایی چندان آزارنده و شنیع است که هیچ انسان متمدن با وجدان نمی‌تواند در مقابل آن خاموش نشیند و آن را محکوم ننماید. نگاهی به شمار استفاده از این بمب‌ها در تنها چند دهه اخیر و شمار کشتگان آن نشانه از وخامت این امر دارد. استفاده از بیش از ۱۱۳ هزار تن مواد شیمیایی در جنگ جهانی اول باعث حدود یک میلیون و سیصد هزار صدمه شد.^۱ ۲۵۲ نوبت بهره‌وری عراق از این سلاح علیه ایران در جنگ هشت ساله که تنها در یم مورد حمله به سردشت در ۱۳۶۶ چهار هزار کشته و زخمی به جای گذارد^۲ استفاده عراق از سلاح شیمیایی در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ در حلبچه که باعث مرگ ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کرد شد استفاده پرتغال از این بمب علیه گینه بیسائو، موزامبیک و آنگولا که سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ آن را تقبیح نمود و تهدید به استفاده مجدد عراق از این سلاح در جنگ خلیج فارس همگی نشان از گستردگی و وخامت استفاده از این سلاح دارد. با وجود اجماع جهانی در تقبیح استفاده از این سلاح‌ها، به ویژه نسبت به غیرنظامیان، بار دیگر در قرن بیست و یک جامعه بین‌الملل با کشتار فجیع انسان‌های غیرنظامی، با استفاده از این سلاح مواجه شد. روزهای انتهایی آگوست سال ۲۰۱۳ با انتشار خبر استفاده از بمب‌های شیمیایی درگیری‌های سوریه، بار دیگر جامعه بین‌الملل به این اندیشه فرو رفت که آیا سازوکارهای پیش‌بینی شده برای مقابله با این جرم کفایت می‌کند. این سازوکارها را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته ساز و کارهای دیپلماتیک، نظامی و قضایی تقسیم نمود. راهکارهای دیپلماتیک مانند میانجیگری که در زمره حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات قرار می‌گیرد، بر مذاکره و مراوده تأکید دارند. در صورت عدم کارایی این راهکار، اقدامات نظامی انجام می‌شود. اقدامات نظامی به طور کلی، می‌تواند از دو طریق صورت گیرد: مورد نخست، از طریق مجوز شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد اقدام می‌شود و این شورا با تصویب قطعنامه اجازه مداخله نظامی را در وضعیت خاص اعطا نماید. اگر چه این موارد نادر بوده ولی مثال آن را میتوان قطعنامه ۱۹۷۳ مصوب ۲۰۱۱ شورای امنیت در خصوص لیبی دانست که به موجب بند ۶ آن، ایجاد منطقه پرواز ممنوع را تصویب نمود. مورد دوم، مداخلات موسوم به مداخلات بشردوستانه است که فارغ از مشروعیت و یا عدم

^۱. Robinson, J, The Problem of Chemical and Biological Warfare, Vol 1, Stockholm International Peace Research Institute, Humanities Press, 1971, 198.

^۲. اردلان، اسعد، سلاح شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۹، ص ۹۹۵.

مشروعیت آن توسط برخی کشورها به نام حمایت از حقوق بشر در یک کشور انجام می‌پذیرد. از جمله این موارد میتوان به اقدامات آمریکا در هائیتی، سومالی و پاناما اشاره نمود که این امور را در راستای حمایت از حقوق بشر دوستانه توجیه می‌نمود.^۱ این اقدامات مورد انتقاد و چالش‌های بسیاری در حقوق بین‌الملل می‌باشد. ولی پرسش اساسی آن است که هریک از طرق فوق پیش گرفته شود و با فرض خاتمه وضعیت ناگواری که در آن جرم بین‌المللی رخ داده، با توجه به بزه دیده شدن تعداد زیادی از افراد و کشته شدن افراد زیادی در این حملات شیمیایی، چه مرجع قضایی بین‌المللی برای رسیدگی به این وضعیت و تعیین و کیفر مجرمان وجود دارد. به همین دلیل بحث از رسیدگی قضایی به وضعیت استفاده از بمب شیمیایی ضروری می‌نماید. به عبارت دیگر، به موازات این اقدامات نظامی و دیپلماتیک، راهکارهای قضایی نیز وجود دارد که به عکس اقدامات نظامی مورد چالش جدی نمی‌باشد. امروزه تنها نهاد کیفری بین‌الملل دموکراتیک در سطح جهان دیوان کیفری بین‌الملل می‌باشد. با ایجاد این دیوان در سال‌های نخستین قرن حاضر و رشد و بالندگی هر روزه آن، امید دسترسی به عدالت را در سطح بین‌المللی زنده شد. این دیوان که رسماً با تصویب اساسنامه آن توسط ۶۰ کشور در اول جولای ۲۰۰۲ پا به عرصه حقوق بین‌الملل گذارد تا امروز ۱۲۲ کشور به این اساسنامه ملحق شده و موافقت خود را بر تعقیب مجرمین بین‌الملل در یک نهاد بی طرف قضایی پذیرفته‌اند. مقایسه فلسفه ایجاد این دیوان با دستگاه قضایی داخلی بی وجه نمی‌باشد. در حوزه داخلی، دولت‌ها در جوامع دموکرات بر اساس قرارداد اجتماعی به وجود آمدند. اشخاص که پیش از این مستقل بوده با ورود به قرارداد اجتماعی طبق نظر لاک سه داعیه عمده داشتند: اول قانونی باشد که بر همه یکسان حکومت نماید، قاضی و دستگاه قضایی مستقل باشد که بر اساس قانون حکم نماید و سوم، دستگاه اجرایی قوی به وجود آید که احکام را اجرا نموده و نظم را برقرار نماید.^۲ در حوزه بین‌الملل نیز ایجاد دیوان کیفری بین‌الملل، بر پایه اندیشه ایجاد نهادی مستقل از امور سیاسی بود که بتواند مستقل از هر امری در خصوص بزهکاری یا بی گناهی افراد تصمیم گیرد. به جهت این استقلال، دیوان هیچ وابستگی مالی یا اداری یا قضایی به شورای امنیت و یا هر نهاد سازمان ملل نداشته و حتی در زمان امکان ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت برخی مخالفت خود را به جهت نقض استقلال دیوان بیان



^۱. فن گلان، گرهارد، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمد حسین حافظیان، جلد دوم، تهران، میزان، ص ۶۹۳.

^۲. لاک، جان، رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶.

نمودند و آن را تبعیت عدالت از سیاست دانستند.^۱

با این حال نخستین شرطی که دیوان می‌بایست در راستای ورود به هر وضعیت احراز نماید مساله صلاحیت می‌باشد. طبق مواد ۱۵ و ۵۳ اساسنامه دادستان تنها زمانی می‌تواند وارد تحقیقات شود که دیوان دارای صلاحیت باشد. بنابراین، پرسش اصلی این است که آیا دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به استفاده از بمب‌های شیمیایی را در درگیری مسلحانه دارا می‌باشد یا خیر. بررسی این امر از آن جهت دارای اهمیت می‌باشد که سلاح شیمیایی نسبت به سلاح اتمی در دسترس تعداد بیشتر کشورها است و این امر خطر استفاده از این سلاح را افزایش می‌دهد، بنابراین، از این منظر مناسب است پس از ایجاد دیوان کیفری بین‌الملل و پیش از استفاده گسترده از این سلاح‌ها در قرن بیست و یکم، صلاحیت این دیوان در خصوص یکی از بحث برانگیزترین موضوعات اساسنامه، بررسی شود. چالش اصلی آن است که در اساسنامه این دیوان ذکری از سلاح‌های شیمیایی به میان نیامده است و تنها در ماده (ج) (۲) ۸ بر جرم بودن استفاده از سم و یا سلاح‌های سمی تصریح نموده است. لذا این بند در کنار ماده ۲۲ و ۲۳ اساسنامه که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را مطرح نموده و بند ۲ ماده ۲۲ که تصریح نموده است تعریف جرم باید به طور مضیق تفسیر شود و نباید به وسیله قیاس گسترش یابد. صلاحیت این دیوان را در هاله‌ای از ابهام فرو برده که آیا به واقع این دیوان می‌تواند وارد این وضعیت شود. در این راستا برخی معتقد به صلاحیت دیوان در این خصوص بوده و برخی با این امر مخالف می‌باشند.

بند اول: واکنش‌های حقوق بین‌المللی در برابر استفاده از سلاح شیمیایی

حقوق بشر دوستانه که حاکم بر جرایم جنگی و قواعد حاکم بر جنگ می‌باشد، از قدیمی‌ترین گرایشات حقوق بین‌الملل است. بی دلیل نیست اگر بیان شود حقوق بین‌الملل ریشه در جنگ میان دولت‌ها داشته و هر قاعده آن جهت انتظام روابط بین دول می‌باشد که یکی از حالات این رابطه جنگ است.

به همین جهت، سال‌ها پیش از معرفی و ظهور جرایمی چون جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی که در میانه قرن بیستم ایجاد شدند، قواعدی بین دول جهت تنظیم اقدامات جنگی ایجاد شد. مهمترین این ضوابط در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل

^۱ اردبیلی، محمد علی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی، دایره المعارف علوم جنایی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۵۸۸.

الحاقی به آن در ۱۹۷۷ بیان شده است. در دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز ماده‌ای به جرایم جنگی اختصاص داشته است. از طرفی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی از مواردی می‌باشد که در کنوانسیون‌ها و معاهدات مختلف بر ممنوعیت آن تأکید شده است. این ممنوعیت از کهن‌ترین ضوابط در جنگ‌ها می‌باشد، ریشه در سال‌های پایانی قرون وسطی دارد.^۱ با این حال به طور مجدانه با توجه به فجایعی که این سلاح در اثنای جنگ جهانی اول ایجاد نمود در سال ۱۹۲۵ پروتکلی تحت عنوان پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازها و شیوه‌های باکتریایی جنگی تصویب شد. این پروتکل نه تنها هیچ اشاره مستقیمی به سلاح‌های شیمیایی نکرده بود، بلکه توسعه و دارا شدن سلاح‌های سمی و باکتریایی را نیز منع ننموده بود. در سال ۱۹۷۲ برای نخستین بار با تصویب کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و ذخیره سلاح‌های بیولوژی و سمی و انهدام آنها به سلاح‌های شیمیایی در مقدمه و مواد ۹ و ۱۲ آن اشاره شد. نهایتاً در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ کنوانسیونی خاص در خصوص سلاح‌های شیمیایی تحت عنوان کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و ذخیره سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها موسوم به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی تصویب گشت. این کنوانسیون بر چهار محور استوار است: نخست، عدم اشاعه تسلیحات نظامی (ماده ۱)، دوم، انهدام تسلیحات موجود و تاسیسات تولید سلاح شیمیایی و نظارت و بازرسی این مراحل (مواد ۳ و ۴ و ۵)، سوم، کمک و حمایت در برابر حمله و یا تهدید به حمله توسط مواد شیمیایی (ماده ۱۰) و چهارم، همکاری بین‌المللی در زمینه استفاده صلح آمیز از دانش و صنعت شیمیایی (ماده ۱۱). این کنوانسیون که در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، در ماده دو سلاح شیمیایی را تعریف نموده است: «سلاح شیمیایی جمعاً و یا به تنهایی عبارتند از: الف) مواد شیمیایی سمی و پیش‌سازهای آنها، به استثناء مواردی که برای اهداف ممنوع نشده به موجب این کنوانسیون در نظر گرفته شده مادامی که انواع و مقادیر آنها با چنین اهدافی مطابقت داشته باشند، ب) مهمات و ادوات که اختصاصاً جهت کشتار یا دیگر صدمات از طریق خواص سمی مواد شیمیایی سمی که در قسمت الف مشخص گردیده طراحی گردیده‌اند در نتیجه کاربرد این مهمات و ادوات رها می‌شوند، پ) هر نوع تجهیزاتی که اختصاصاً برای استفاده مستقیم در ارتباط با کاربرد مهمات و ادوات مشخص شده در قسمت ب طراحی گردیده‌اند». سپس پاراگراف دوم ماده ۲ این کنوانسیون در تعریف مواد

^۱. Fleck, Dieter, The Handbook of International Humanitarian Law, Oxford University Press, 2009, p 128.

^۲. اردلان، اسعد، منبع پیشین، ص ۱۰۰۷.





شیمیایی سمی بیان می‌دارد: «هر نوع ماده شیمیایی که از طریق کنش شیمیایی در روند زندگی بتواند موجب مرگ، ناتوانی موقت یا آسیب دائم انسانها یا حیوانات گردد. این امر شامل تمام مواد شیمیایی مزبور است، بدون در نظر گرفتن منشاء و روش تولید آنها و بدون در نظر گرفتن اینکه آیا در تاسیسات، در مهمات یا در جای دیگری تولید می‌گردند.» و بند سوم نیز در تعریف پیش سار بیان نموده است: «هر نوع معرف شیمیایی که در هر مرحله از تولید ماده شیمیایی سمی به هر روشی به کار برود. این شامل هرگونه جزء کلیدی یک سیستم دوگانه یا چند جزئی شیمیایی می‌شود.» این کنوانسیون در ماده یک تعهدی را بر کشورهای عضو بار می‌نماید که تحت هیچ شرایطی از این سلاح استفاده نمایند. این کنوانسیون توسط ۱۹۰ کشور امضا و به تصویب ۱۶۴ کشور رسیده است. به همین دلیل قانون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در بسیاری از کشورها وضع شده است. بیانیه‌های بیشماری از سوی کشورها و از تمام نقاط جهان مبنی بر ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی، به موجب مقررات عرفی حقوق بین‌الملل وجود دارد. ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در حقوق بین‌الملل به حدی شدید است که مجمع عمومی در قطعنامه A ۲۶۰۳ مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ اعلام نمود استفاده از وسایل شیمیایی جنگی که دارای تاثیر مستقیم سمی بر گیاهان باشد نیز ممنوع می‌باشد زیرا بر خلاف قواعد به رسمیت شناخته شده حقوق بین‌الملل می‌باشد. علت این ممنوعیت نیز آن است که تاثیرات استفاده از سلاح شیمیایی قابل کنترل نمی‌باشد. لذا در صورتی که حقوق بین‌الملل عرفی را رویه منسجم و کلی‌ای دانست که دولت‌ها خود را به طور عینی یا ذهنی ملزم به پیروی از آن می‌دانند، به نظر میرسد می‌توان مقررات منع تولید و استفاده و گسترش سلاح‌های شیمیایی را جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی دانست.

به علاوه ممنوعیت استفاده از سلاح‌های سمی و شیمیایی امروزه از فحوای پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو برداشت می‌شود. در راستای تایید این امر میتوان به رای دادگاه یوگسلاوی سابق اشاره نمود که در آن به صراحت بیان شده است: «یک اجماع جهانی بدون خدشه در جامعه بین‌الملل در خصوص این اصل به وجود آمده است که استفاده از سلاح‌های شیمیایی در درگیری‌های داخلی ممنوع می‌باشد.» به طریق اولی در صورت حصول اجماع جهانی در ممنوعیت به کارگیری این سلاح در نزاع‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، این امر در نزاع‌های مسلحانه بین‌المللی ممنوع

^۱. هنکرتز، ژان ماری، دوسوالدیک، لوئیس، حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جلد اول، تهران، نشر مجد، ۱۳۷۸، ص ۳۹۶.

می‌باشد. با توجه به موارد فوق، می‌توان به یقین ممنوعیت به کارگیری سلاح شیمیایی را ناشی از یک اراده اجماعی بین‌المللی و عرف بین‌الملل دانست.

بند دوم: پیش شرط‌های اعمال صلاحیت دیوان در زمینه تعقیب استفاده کنندگان از سلاح شیمیایی

احراز صلاحیت در هر رسیدگی کیفری از موارد اولیه ضروری می‌باشد. به عبارتی، هر مرجع کیفری پیش از ورود به ماهیت هر قضیه، امور شکلی از جمله صلاحیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. رسیدگی دیوان کیفری بین‌الملل نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. با این حال نوعی پیوستگی میان مسایل ماهوی و شکلی دیوان در خصوص صلاحیت وجود دارد. به طوری که نظر در باب صلاحیت مستلزم بررسی ماهوی برخی شرایط تحقق جرم می‌باشد. برای مثال قصد از بین بردن گروه تحت حمایت و یا در راستای اهداف یک گروه یا دولت بودن به ترتیب از شرایط نسل کشی و جرایم علیه بشریت است. در همین راستا، ارتکاب رفتارهای ماده ۸ یا جرایم جنگی زمانی جرم محسوب می‌شود که در خلال یک درگیری مسلحانه صورت گیرد. از طرفی رفتارهای مجرمانه در نزاع‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی متفاوت می‌باشد. بر این اساس، برای احراز صلاحیت دیوان در این زمینه دو امر نیاز به احراز دارد نخست، آیا استفاده از بمب شیمیایی در شمار رفتارهای مجرمانه مذکور در ماده ۸ اساسنامه می‌باشد و دوم آیت رفتار با توجه به ماهیت بین‌المللی و غیربین‌المللی درگیری جرم انگاری شده است.

بند سوم: ممنوعیت به کارگیری سلاح شیمیایی و امکان تعقیب آن

سال‌ها پیش از تشکیل کنفرانس رم، جامعه حقوقی و سازمان ملل با توجه به ضرورت ایجاد یک دیوان کیفری بین‌الملل را احساس نمودند. به همین جهت سه سال پیش از کنفرانس رم، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۴ کمیته‌ای را به نام کمیته مقدماتی تأسیس دیوان کیفری بین‌الملل، مسئول بررسی و تهیه پیش‌نویسی به عنوان اساسنامه برای ارائه به کنفرانس دیپلماتیک رم نمود.

در این کنفرانس یکی از مواردی که بسیار چالش برانگیز شده و بر آن بحث‌ها و مخالفت‌های عمده صورت گرفت بند ۱۷ ماده ج ۸ اساسنامه بود. این بند در پیش‌نویس ابتدا شامل سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و اتمی نیز می‌شد. شمول این بند باعث مخالفت‌های بسیاری به ویژه توسط کشورهای دارای فن آوری اتمی شد. این کشورها، مخالفت خود را بر این پایه استوار نمودند که ممنوعیت بمب اتمی هنوز به عنوان یک قاعده مورد قبول اجماع جامعه جهانی درنیامده است. دیوان بین‌الملل دادگستری نیز در یک نظر مشورتی در ۸ جولای ۱۹۹۶ بر این امر تصریح نموده و بیان نموده است:





«در هیچ یک از حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی ممنوعیت فراگیر و جهانی بر تردید و یا به کارگیری سلاح اتمی وجود ندارد».

از طرف دیگر، گروه کشورهای فاقد سلاح اتمی معتقد بودند، نمی‌توان بین سلاح‌های اتمی و سمی و شیمیایی تفاوت گذارد. این امر باعث می‌شود که استفاده از سلاح اتمی فاقد ممنوعیت باشد و استفاده از سلاح‌هایی که آثار مخرب کمتر دارد ممنوع نباشد. این بحث تا روز پایانی کنفرانس رم ادامه داشت و کنفرانس را در معرض نوعی شکست قرار داده بود. در روز پایانی به دلیل ضیق زمانی و برای جلوگیری از شکست کنفرانس، عبارت سلاح سمی باقی ماند و سلاح‌های اتمی و شیمیایی حذف شد. لیکن نظری بر مذاکرات آن کنفرانس نشان دهنده آن می‌باشد که کشورهای شرکت کننده به دلیل وجود اجماع جهانی بر ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی هیچ مخالفتی بر شمول اساسنامه نسبت سلاح‌های شیمیایی ابراز نکرده بودند و حذف این سلاح به دلیل مخالفت‌هایی بود که با سلاح اتمی صورت گرفت. با این حال ضوابطی در حقوق بین‌الملل برای تفسیر معاهدات وجود دارد. به طور کلی ماده (۱) ۳۱ کنوانسیون وین در زمینه حقوق معاهدات ۱۹۶۹ در خصوص تفسیر معاهدات بیان می‌دارد: «هر معاهده باید با حسن نیت و بر اساس معانی عادی و متداولی تفسیر شود» لذا بر طبق این ماده سه روش تفسیر در حقوق بین‌الملل وجود دارد، اول روش عینی که تفسیری است معمول و متداول واژه‌های معاهده و دوم روش ذهنی که تفسیر بر اساس قصد و نیت طرف‌های معاهده است و سوم، روش غایی و تفسیر بر اساس هدف و موضوع معاهده.^۲

در موضوع حاضر، از آن جا که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یک معاهده بین‌المللی محسوب می‌شود، جهت تبیین ورود و یا خروج سلاح شیمیایی در آن می‌توان به این روشها دست یازید. روش تفسیر بر اساس معنای معمول که مهمترین روش تفسیر معاهدات بین‌المللی محسوب می‌شود، با مراجعه به متن معاهده و تفسیر لفظ در معنای معمول صورت گیرد. از طرفی، در رویکرد تفسیر نظامند کل حقوق در حکم واحد تلقی شده و لذا امکان بهره‌برداری از تعاریفی که در یک سند از امری شده در اسناد دیگر نیز وجود دارد. به عبارت دیگر در این تفسیر هدف روشن کردن

^۱. یکرنگی، محمد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه بهره‌وری از سلاح شیمیایی، نشریه پژوهش‌نامه حقوق کیفری، شماره ۱۰، ۱۳۹۳، ص ۲۲۸.

^۲. والاس، ربکا، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مهتاز بهراملو، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰، ص ۳۲۳.

بخشی از متن توسط بخش دیگر آن یا توسط متن‌های دیگر است.^۱ بر این اساس برای تبیین آن که آیا دیوان صلاحیت رسیدگی به بهره‌وری از سلاح شیمیایی را دارد یا خیر سه سند باید مورد ملاحظه قرار گیرد: نخست اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دوم، سند عناصر اختصاصی جرایم دیوان و سوم، کنوانسیون منع استفاده از سلاح شیمیایی ۱۹۹۴. نخستین سند یعنی اساسنامه دیوان در ماده ج (۲) ۸ اساسنامه دو بند ۱۷ و ۱۸ به ترتیب به کار بردن سم یا سلاح‌های سمی و استفاده از گاز خفه کننده، سمی یا گازها و تمامی سیالات مواد یا ابزارهای مشابه ممنوع نموده است و علت استفاده از متن سند عناصر اختصاصی جرایم آن است که اولاً طبق ماده ۹ اصلاحی ۲۰۱۰ اساسنامه سند عناصر اختصاصی جرم به دیوان در تفسیر و اعمال مواد ۶، ۷، ۸ و ۸ مکرر یاری می‌دهد. بنابراین این سند در تشریح مواد اساسنامه و جهت تبیین این مواد می‌باشد، ثانیاً طبق بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ هرگونه توافق بعدی که در مورد تفسیر معاهده و یا اعمال مقررات آن میان طرف‌های معاهده حاصل شده باشد، می‌تواند در تفسیر معاهده مورد استفاده قرار گیرد. ثالثاً ماده ۲۱ اساسنامه نیز اجازه بهره‌بری از سایر اسناد را اعطا کرده است.

بر این اساس، ماده ۸ سند عناصر اختصاصی جرایم در تفسیر بند ۱۷ بیان داشته است: «۱. مرتکب مواد یا اسلحه را به کار برده باشد که در اثر به کارگیری آن موادی متصاعد شود ۲. مواد متصاعد شده باید به گونه‌ای بوده باشد که خواص مسموم کننده آن به طور معمول موجب مرگ یا صدمات شدید به سلامتی اشخاص شود» همچنین این سند در تفسیر بند ۱۸ نیز بیان داشته است: «۱. مرتکب باید گاز یا سایر مواد یا ابزارهای مشابه را به کار برده باشد ۲. گاز یا مواد ابزار به کار گرفته شده به گونه‌ای بوده باشد که خواص خفه یا مسموم کننده آن به طور معمول موجب مرگ یا صدمات شدید به سلامت اشخاص شود».

سند سوم، یعنی کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۴ در بند «الف» و «ب» ماده ۲ سلاح شیمیایی را به صراحت مواد شیمیایی سمی و مهمات و ادواتی که اختصاصاً جهت کشتار یا دیگر صدمات از طریق خواص سمی مواد شیمیایی سمی مورد استفاده می‌گیرد، تعریف نموده است. بنابراین، می‌توان اینگونه برداشت که سلاح شیمیایی یکی از انواع سلاح‌های سمی از نظر حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند که با خواص تصاعد در عوا عمل می‌کنند. فلذا، با توجه به این تعریف،

۱. تروپه، میشل، فلسفه حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگه، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴.





ماهیت و ذات سلاح شیمیایی امری جز مواد سمی نمی‌باشد و این دقیقاً همان امری است که بندهای ۱۷ و ۱۸ ماده ج (۲) ۸ اساسنامه آن را منع نموده و به عنوان جرم جنگی تعیین کرده است. بر این اساس، با توجه به تفسیر عبارات اساسنامه و عناصر اختصاصی جرایم و با عنایت به سیاق عبارات به کار رفته در دو سند مذکور، می‌توان معتقد بود که سلاح شیمیایی به عنوان مصداقی از سلاح‌های سمی بوده و لذا دیوان کیفری بین‌الملل صلاحیت رسیدگی به جرم استفاده از این سلاح را دارا می‌باشد.

از طرف دیگر، تفسیر غایی اساسنامه این برداشت را تأیید می‌نماید. طبق این روش، عبارات باید گونه‌ای عبارات تفسیر گردند که با هدف معاهده هماهنگ باشد. چنانکه دیوان بین‌الملل دادگستری در رای شماره ۲ درباره صلاحیت سازمان بین‌المللی کار بیان داشت: «تمامی معاهده باید قطعاً مورد مطالعه قرار گیرد و نمی‌توان معنای آن را بر اساس چند جمله پراکنده و جدا از محتوای و فحوای معاهده تعیین نمود در غیر این صورت معاهده به اشکال گوناگون تفسیر خواهد شد».^۱ به عبارت دیگر معاهده یک واحد است که با در نظر گرفتن اهداف اصلی باید به تفسیر آن پرداخت. اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل نیز در ضمن مواد مختلف و مقدمه، هدف این سند را بیان داشته است. طبق دیباچه اساسنامه رم، شدیدترین جنایات‌های موجب نگرانی جامعه بین‌الملل به عنوان یک کل نباید بی مجازات باقی بماند و دیوان مصمم است به بلا مجازات ماندن مرتکبین این جنایات‌ها پایان دهد. همچنین طبق ماده ۵ اساسنامه این دیوان به شدیدترین جنایات‌های مورد دغدغه مجموعه جامعه بین‌الملل رسیدگی می‌کند. این عبارات هدف کلی اساسنامه را به عنوان بی کیفر نماندن مرتکبین جرایم بین‌المللی تبیین نموده است که مواد مختلف باید در این راستا تفسیر گردند. لذا با این نگرش، عبارت سلاح‌های سمی، باید به گونه‌ای تفسیر شود که مجرمین بین‌الملل بی کیفر نمانند و در این گونه تفسیر نیز سلاح شیمیایی وارد در صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل خواهد شد. لیکن با این تفسیر ممکن است دو شبهه مطرح شود. نخست، در حقوق کیفری اصل بر تفسیر مضیق می‌باشد و در موارد شبهه باید مورد شبهه مطرح شود. نخست، در حقوق کیفری اصل بر تفسیر مضیق می‌باشد و در موارد شبهه باید مورد شبهه را از دامنه موارد جرم‌انگاری، خارج نمود. این امر در ماده ۲ (۲۲) اساسنامه رم نیز ذکر شده و با تأکید بر تفسیر مضیق، قیاس را ممنوع دانسته است. بر این اساس در مورد شبهه در ورود سلاح شیمیایی در ماده ۸، به جهت شبهه در ورود و یا خروج آن از قدر متیقن، باید نظر به عدم جرم بودن استفاده از این

^۱ موسی زاده، رضا، حقوق معاهدات بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳.

سلاح داشت. این برداشت نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا تفسیر مضیق زمانی در حقوق کیفری اعمال می‌شود که ورود یک امر در مفهوم ماده با توجه به عبارات به کار رفته مبهم باشد. به عبارت دیگر در جایی که لفظی به کار رفته است. ورود مصادیق آن لفظ در شمول ماده نقض تفسیر مضیق نمی‌باشد. در بیان دیگر میتوان گفت، شناخت مصادیق یک لفظ، مخالف تفسیر مضیق و منع توسل به قیاس نمی‌باشد.^۱ بر این اساس هنگامی که اساسنامه استفاده از سلاح سمی را جرم‌انگاری نموده است و کنوانسیون ۱۹۹۲ نیز سلاح شیمیایی را نوعی سلاح سمی معرفی کرده است، دریافت می‌شود که سلاح شیمیایی مصداقی از سلاح سمی بوده و این امر، بلاشبهه نقض تفسیر مضیق محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، آنچه را حقوقدانان بین‌المللی در زمینه خروج مصداق یابی از قیاس مذکور در ماده ۲۲ اساسنامه بیان داشته‌اند را میتوان اینگونه بیان داشت که نظر آنان بر قیاس اصولی بوده که در آن حکم مصرح در امری بر موضوع مسکوت‌الحکم سرایت داده می‌شود و در واقع حکم مقیس علیه بر مقیس بار می‌شود. لیکن در مصداق‌یابی نوعی قیاس منطقی استثنایی می‌باشد که در مقدمات آن به نتیجه و یا نقیض آن تصریح می‌شود. در موضوع حاضر این قیاس این گونه شکل می‌گیرد: مقدمه اول اینکه اگر سلاح شیمیایی نوعی سلاح سمی باشد، دیوان کیفری بین‌الملل صلاحیت رسیدگی دارد. بر اساس مقدمه دوم، اما سلاح شیمیایی نوعی سلاح سمی است و لذا در نتیجه باید گفت که پس دیوان صلاحیت رسیدگی به سلاح شیمیایی را دارد. مقدمه اول که نوعی جمله شرطی است، صحت و سقمی ندارد. در این نوع قیاس تمرکز بر صحت و سقم جمله دوم است. که بنا بر آنچه پیشتر بیان شد این مقدمه اثبات شده و صحیح می‌باشد، لذا نتیجه حاصل می‌شود. بنابراین از آنجا که این نوع قیاس، قیاس اصولی ممنوعه نمی‌باشد و تنها مصداقی را که در حکم کلی موجود بوده را می‌یابد، مانعی در حقوق جزا ندارد. به همین جهت است که شرط صحت قیاس منطقی استثنایی، کلی بودن یک مقدمه و موجه بودن آن است تا مقدمه جزئی بتواند در داخل مقدمه کلی قرار گرفته و نتیجه حاصل شود. شبهه دوم در خصوص اسناد مقدماتی دیوان می‌باشد. چنانکه پیشتر نیز بیان شد، اسناد پیش نویس اساسنامه تصریح به سلاح شیمیایی نموده بودند، لیکن در متن نهایی اساسنامه این سلاح حذف شد. این امر ممکن است این تفکر را ایجاد نماید که منعقدان اساسنامه قصد خروج این سلاح را از شمار سلاح‌های ممنوعه داشته‌اند. در پاسه می‌توان بیان داشت، استناد به اسناد و کارهای مقدماتی یک معاهده از وسایل



^۱. کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، تهران، نشر جنگل، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸.

و شیوه‌های مکمل در تفسیر می‌باشد و طبق رای دیوان بین‌المللی دادگستری هنگامی که متن معاهده روشن باشد، توسل به ابزارهای تکمیلی تفسیر نمی‌توان نمود.^۱ به عبارت دیگر هنگامی که با اصول کلی مذکور بند ۱ ماده ۳۲ کنوانسیون وین بتوان به تفسیر معقول و هماهنگ با غایت یک سند رسید، دیگر به روش‌های تکمیلی تفسیر استناد نخواهد شد. بر این اساس، با توجه به روشن شدن سلاح سمی طبق روش عینی و ذهنی و غایی در قضیه حاضر موردی برای استناد به اسناد مقدماتی وجود ندارد. تفاوت سلاح شیمیایی و اتمی در این مورد آن است که اگرچه هر دو در پیش نویس تصریح شده و در سند نهایی حذف شدند لیکن به دلیل آنکه سلاح اتمی را به عکس سلاح شیمیایی نمی‌توان مصداقی از سلاح سمی دانست، نمیتوان آن را در زمره جرایم ماده ۸ اساسنامه وارد نمود. از طرفی، می‌توان اینگونه نیز استدلال کرد که با توجه به شکل‌گیری عرف جهانی در زمینه ممنوعیت بهره‌وری از سلاح شیمیایی، حذف این سلاح و باقی ماندن سلاح سمی می‌تواند قرینه‌ای بر آن باشد که کنفرانس رم نظر بر عام بودن سلاح سمی به گونه‌ای داشته است که سلاح شیمیایی را نیز در برگیرد. لذا با توجه به تمامی موارد بیان شده، رفتار استفاده از سلاح شیمیایی در زمره رفتارهای ماده ۸ اساسنامه رم بوده و دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را دارا می‌باشد. با این حال، مورد دیگر که نیازمند بررسی می‌باشد آن است که آیا با توجه به ماهیت مخاصمه مسلحانه، استفاده از سلاح شیمیایی در قلمرو ماده ۸ اساسنامه قرار خواهد گرفت.

بند چهارم: به کارگیری سلاح سمی در نزاع مسلحانه

اساسنامه رم به پیروی از کنوانسیون‌های ژنو جرایم جنگی را بر پایه آنکه در خلال نزاع مسلحانه داخلی و یا بین‌المللی رخ دهد، بر دو قسم دانسته است. بندهای الف و ب ماده ۸ به احصای رفتارهای مجرمانه در خلال نزاع مسلحانه بین‌المللی پرداخته و بندهای ج و ه به جرایم جنگی در نزاع‌های مسلحانه داخلی اختصاص یافته است. درگیری مسلحانه زمانی محقق می‌شود که توسل به نیروهای مسلح بین دولت‌ها یا درگیری مسلحانه طولانی مدت بین مقامات رسمی و گروه‌های سازمان یافته یا بین این گروه‌ها صورت گیرد. با این حال، صرف احراز درگیری مسلحانه کافی نمی‌باشد و تمایز میان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی به جهت آثار، اهمیت بسیار دارد. برای مثال شمار رفتارهای مجرمانه در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی بسیار کمتر از درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی است



^۱ والاس، پیشین، ص ۳۲۵.

و حقوق بشر دوستانه ناظر به درگیری‌های بین‌المللی پیکره حقوقی جامع‌تری را نسبت به حقوق داخلی شامل می‌شود و در نتیجه حمایت کاملتی از قربانیان آن مخاصمه را تضمین خواهد کرد.^۱ به طور کلی معیار تشخیص درگیری مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی در طول حیات حقوق بین‌المللی تغییراتی داشته است. قسمت تغییرناپذیر و اجماعی مخاصمات مسلحانه آن است که اگر نزاع بین دو دولت صورت گیرد. این نزاع بین‌المللی محسوب می‌شود. لیکن در زمینه مخاصمه مسلحانه داخلی معیارهای حقوق بین‌الملل به این وضوح نمی‌باشد. طبق ماده یک پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۷۷، دو شرط برای حکومت آن پروتکل در مخاصمه داخلی وجود دارد، نخست آنکه نیروهای مخالف بر بخشی از سرزمین مسلط شده باشند و دوم، این نیروها توان اجرای پروتکل را داشته باشند. در صورت فقد هر یک از این دو شرط نزاع از حکومت پروتکل دوم الحاقی خارج می‌شود. با این حال، نواقص این شروط در کنترل جرایم و وضعیت‌ها مشخص بود. بسیاری از موارد نیروهای متخاصم کنترلی بر سرزمین نداشته و یا قادر به اجرای پروتکل نبودند ولیکن نزاع با عواقب وخیم آن در حال روی دادن بود. به همین دلیل دادگاه کیفری بین‌الملل برای یوگسلاوی سابق در رای خود در قضیه تادیچ بیان داشت که هرگاه مخاصمه‌ای طولانی مدت بین نیروهای حکومت و گروه‌های سازمان یافته مسلح یا بین این گروه‌ها در قلمر دولت صورت گیرد، این نزاع داخلی محسوب می‌شود. مجدداً شعبه تجدیدنظر همین دادگاه در رای ۱۵ ژولای ۱۹۹۵ در خصوص دعوای تادیچ بیان داشت که در صورت کنترل کلی گروه متخاصم توسط یک دولت این نزاع، در زمره درگیری‌های مسلح بین‌المللی محسوب می‌شود که در حقوق بین‌الملل از آن به درگیری مسلحانه بین‌المللی یاد می‌نمایند. بنابراین موارد و طبق ماده (و) (۲) ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل، نزاع مسلحانه طولانی مدت بین دو گروه سازمان یافته و یا دولت و یک گروه سازمان یافته در صورتی که آن گروه کنترل کلی از جانب دولت یا دول دیگر نشود، نزاع داخلی محسوب می‌شود. تا پیش از سال ۲۰۱۰ و برگزاری کنفرانس بازنگری کامپالا ماده (ب) (۲) ۸ اساسنامه در بندهای ۱۷ و ۱۸ به صراحت به کار بردن سم و یا سلاح سمی و استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمامی سیالات مواد یا ابزارهای مشابه را در نزاع‌های بین‌المللی جرم تلقی نموده بود. مفهوم این ماده آن بود که در صورت استفاده از سم، مواد سمی، گازهای خفه کننده و سایر موارد مشابه در نزاع‌های مسلحانه داخلی



^۱ ممتاز، جمشید و رنجریان، امیر حسین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۹۶.

این امر جرم نبوده است. با این حال، به دلیل شدت این جرم و نابردباری جامعه بین الملل در قبال استفاده از سلاح‌های سمی حتی بر ضد اتباع خود در قلمرو داخلی، در سال ۲۰۱۰ کنفرانس بازنگری بندی به ماده (۵) (۲) ۸ الحاق نمود که در آن مانند بندهای ۱۷ و ۱۸ ماده (ب) (۲) ۸ اساسنامه از سم و یا سلاح‌های سمی و استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمامی سیالات مواد یا ابزارهای مشابه را جرم انگاری نمود. بنابراین، در شرایط فعلی استفاده از سلاح شیمیایی در هر گونه نزاع مسلحانه اعم از داخلی و یا بین‌المللی جرم می‌باشد.

بند پنجم: ضمانت اجراهای سازمان ملل برای استفاده از سلاح شیمیایی:

به موجب بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ بیانیه سران در اجلاسیه مجمع عمومی ملل متحد در ۲۰۰۵، یکی از ارکان متشکله دکرترین مسئولیت حمایت وقوع یکی از جرایم ژنوسید، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی یا پاکسازی قومی است. در موضوع سوریه وقوع جرایم جنگی حتمی است که از جمله مصادیق بارز آن وفق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و گازهای سمی و خفه کننده است و در طول دو سال اخیر لاقول چندین مرتبه از سلاح شیمیایی یا گازهای خفه کننده در عرصه مخاصمه مسلحانه در این کشور استفاده شده که همین مساله موجب صدور دو قطعنامه از شورای امنیت می‌شود. اما اقدام‌های اولیه شورا به صدور بیانیه موضوع ماده ۳۹ منشور که از قضا غیرالزام آور است. لکن با توجه به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سال ۲۰۱۳ که بر اساس ادعاهای تایید نشده دول مخالف آقای بشار اسد، منتسب به ارتش سوریه شد، شورا به اتفاق، طی قطعنامه شماره ۲۱۲۸ سال ۲۰۱۳ ضمن محکوم کردن به کار بردن این نوع سلاح‌ها در منطقه الغوطه شرقی ریف دمشق و با تاکید بر این مطلب که استفاده از سلاح شیمیایی نقض جدی حقوق بین‌الملل است، هر دو طرف درگیر را از به کارگیری این نوع سلاح ممنوع کرد و برای هر دو طرف درگیری مقررات سختگیرانه‌ای را وضع کرده و حتی دولت‌های ثالث را موظف کرد تا در صورت آگاهی از تهیه و تامین سلاح شیمیایی، تجهیزات، کالاها و فناوری یا کمک‌های مربوطه از سویه به خارج از آن توسط اتباع یا با استفاده از شناورها یا هواپیماهای تحت پرچم آن، اعم از اینکه با مبدا قلمرو سوریه باشند یا خیر را ممنوع کنند و در بند ۲۱ به صراحت اعلام داشت که هرگونه تخطی موجب اتخاذ تدابیر مندرج در فصل هفتم منشور می‌شود. دولت سوریه در واکنش به فوریت و در برابر تهدیدات موثر و شدید قدرت‌های بزرگ پابندی خود را به تعهدات بین‌المللی اعلام می‌کند و بلافاصله درهای مراکز انباشت تولید چنین سلاح‌هایی را به روی بازرسان سازمان ملل می‌گشاید و



ضمن الحاق سریع به کنوانسیون منع تولید، توسعه، نگهداری، اکتساب و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها و تودیع سند الحاق، خود مشارکت وسیعی در جمع آوری و انتقال و نابودی این نوع سلاح‌ها می‌کند. اگر بخواهیم در مورد حملات شیمیایی تخصصی‌تر صحبت کنیم باید بگوییم که در طی سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ بود که کشورهای انگلیس و آمریکا بر این باور بودند که در سوریه از سلاح‌های شیمیایی استفاده شده است. ظاهراً شواهد قطعی از این امر وجود ندارد و ایالات متحده و دیگران در حال بررسی این موضوع بودند. با این حال دولت اوپاما اعلام کرد استفاده از سلاح‌های شیمیایی بازی را تغییر خواهد داد. باراک اوپاما در یک مصاحبه با سی ان ان به نظریه دفاع از خود اشاره کرد زمانی که بیان داشت: وقتی شما می‌بینید از سلاح‌های شیمیایی در سطح وسیع استفاده می‌شود و منافع ملی هسته‌ای ایالات متحده در خطر است و هم از سلاح‌های کشتار جمعی در سطح وسیع استفاده می‌شود و منافع متحدان ما در خطر است. این بیان یک توجیه برای استفاده از زور در دفاع پیشگیرانه از خود است که بسیار شبیه به دکترین بوش به نظر می‌رسد. نخست وزیر و وزیر امور خارجه بریتانیا نیز ادعا کردند که هر اقدامی در سوریه قانونی خواهد بود. بنابراین سوال این است که آیا به عنوان یک موضوع حقوق بین‌الملل استفاده از سلاح شیمیایی مداخله را توجیه می‌کند؟

مداخله نظامی در سوریه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در اصل بر خلاف ماده ۲ (۴) منشور سازمان ملل متحد خواهد بود. مساله این است که استدلالی که ممکن است برای ممنوعیت استفاده از زور در این ماده قرار گیرد چیست؟ مسلح کردن مخالفان از نظر حقوق بین‌المللی استدلال پذیرفته شده‌ای نیست. بحث اصلی که می‌تواند برای توجیه مداخله به کار رود استفاده از سلاح شیمیایی است که آمریکا هرگز به این مورد به عنوان مبنای قانونی متکی نخواهد بود. مهمتر از آن اینکه بسیاری از کشورها این دیدگاه را که حقوق بین‌الملل دولت‌ها را برای استفاده از زور علیه کشورهای دیگر به دلایل بشردوستانه مجاز می‌دارد رد می‌کنند. شاید دیدگاه در این زمینه در حال تغییر است و برای مثال روشن نیست که آیا حمایت فرانسه یا اعراب از مسلحان مخالف سوریه بر اساس استدلال بشردوستانه است یا خیر که البته بسیار بعید می‌نماید که چنین باشد. با این حال تغییر در رویه دولت‌ها و فواید آمره به اندازه کافی نیست که بگوییم می‌توان مداخله بشر دوستانه کرد و معتقد بود که این اقدام قانونی است. دولت آمریکا ممکن است بر این باور باشد که استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه به احتمال زیاد بر کشورهای همسایه و هم پیمان مثل ترکیه و اردن، بسته به اینکه در کجا و تحت چه شرایطی از سلاح‌های شیمیایی استفاده شود و آنها بی اراده از مرزهای ملی عبور کرده و تلقی از یک حمله



مسلحانه به آن کشورها قلمداد شود، اثر بگذارد.

این نظر ممکن است یک تئوری در امتداد خطی از پیش بینی دفاع دسته جمعی ایجاد کند به ویژه اینکه کشورهای همسایه در این ارتباط از دولت آمریکا کمک خواسته‌اند تا از جانب آنها دخالت کند ولی این تئوری هنوز امتحان نشده و معتبر نیست. مسأله‌ای که با توجه به استدلال دفاع دسته جمعی و یا حتی فردی در این مورد خاص و واقعی مطرح می‌شود این است که آیا اگر سلاح‌های شیمیایی به صورت اتفاقی از مرزها عبور کنند می‌توان این حادثه را حمله مسلحانه قلمداد کرد؟ در پرونده سکوهای نفتی، دیوان بین‌المللی دادگستری پیشنهاد می‌دهد که برای استفاده از زور توسط یک دولت بر دولت ثانی باید کشور به عنوان یک هدف مورد حمله مسلحانه قرار گیرد. دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرسش از اینکه قصد حمله نیروهای مسلح است یا نه اشتباه است و باید به معیار ضرورت و تناسب تجاوز توجه است و قصد حمله دولت باید مربوط به این باشد که آیا دولت حقی برای پاسخگویی و دفاع از خود را زمانی که دیگران برای استفاده از زور علیه او مسلح شده‌اند دارد؟

دیوان بین‌المللی دادگستری در رای خود در قضیه سکوهای نفتی مشخصاً بیان می‌دارد که به منظور احراز مشروعیت یک اقدام نظامی ضروری است که ابتدائاً وجود حمله مسلحانه به اثبات رسد. به عبارت دیگر دیوان با ارائه نوعی تفسیر مضیق مشخصاً اعلام داشته که وجود یک حمله مسلحانه برای اعمال حق ذاتی دفاع از خود ضروری است.^۱ حال سوال این است که آیا برای دفاع از خود عدم قصد حمله ضرورتی دارد؟ اما شاید عدم قصد به این معنی نباشد که یک راه حل جایگزین در دسترس نیست. رویه دولت‌ها هرگاه برای تصحیح و خطا و ادامه فعالیت برای رسیدن به اشتباهات متمادی را رد می‌کند. در این مورد باید دفاع از خود به عنوان نیروی لازم برای جلوگیری از استفاده بیشتر از زور علیه دولت قابل پذیرش باشد. با این حال سوال این است که چه نوع مداخله‌ای قانونی خواهد بود. آیا این نوع عبور مواد شیمیایی از مرزها توجیهی برای نوعی دفاع از خود و حذف دولت سوریه است؟ مسلماً معیارهای تناسب حمله با دفاع نشان می‌دهد که باید ضرورتاً تلاش‌ها برای جلوگیری از گسترش عبور مواد شیمیایی از مرزها باشد و مطمئناً این امر نمی‌تواند مجوزی برای حذف مستقیم یا غیرمستقیم دولت قانونی بشار اسد با استفاده از زور باشد. ممکن است که استدلال شود که دولت آماده استفاده از سلاح‌های شیمیایی است و تنها راه برای متوقف کردن آن حذف دولت است و این استدلال بسیار شبیه

^۱ میر عیاسی، سید باقر و سادات میدانی، سید حسین، دادرسی‌های بین‌المللی دادگستری، مسایل روز، چکیده آرا و اسناد، جلد دوم،



با موارد به کار گرفته شده در عراق ۲۰۰۲ و لیبی ۲۰۱۱ است که در آن گفته شد حذف قذافی برای حفاظت از غیرنظامیان ضروری بود و شگفت آور نخواهد بود اگر بگوییم که این استدلال جلوگیری از استفاده از سلاح شیمیایی به وضوح فقط برای حذف دولت قانونی سوریه به کار گرفته می‌شود.^۱ مسئولیت برای حمایت چارچوبی قانونی برای جامعه بین‌المللی جهت پاسخ به جرایم خشن را فراهم کرده است. این مفهوم اولین بار جامعه بین‌المللی را برای کمک به دولت‌ها جهت جلوگیری از رخ دادن جرایم خشن در حوزه قضایی‌شان تشویق می‌کرد. زمانی که این امکان پذیر نباشد جامعه بین‌المللی باید برای جلوگیری از جرایم خشن از طریق مسالمت آمیز تلاش کند. در مورد نقش مجمع عمومی سازمان ملل نیز باید گفت که نقش مجمع عمومی با ابتکار عربستان و قطر و هماهنگی سایر دولت‌های عربی گام‌های موثری را در سال اول آغاز بحران در سوریه برداشته‌اند. از آنجا که به موجب بند ۱ ماده ۲۴ منشور، مجمع عمومی وظیفه برقراری و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده شورای امنیت قرار داده، مفهوم این مساله آن است که مسئولیت مجمع در این خصوص ثانویه است و سلب این حق از شورا ناممکن است و وفق بند ۱ ماده ۱۲ منشور، تا زمانی که شورا در مورد هر اختلاف یا وضعیت در حال انجام وظایفی باشد، مجمع نمی‌تواند در مورد آن اختلاف یا وضعیت توصیه‌ای به شورا کند، مگر اینکه شورا چنین تقاضایی داشته باشد. در هر صورت، بنا به پیشنهاد قطر و عربستان دو قطعنامه از سوی مجمع عمومی در سال ۲۰۱۲ و با اکثریت دو سون اعضا وفق بند ۲ ماده ۱۸ منشور صادر می‌شود. اگرچه این قطعنامه‌ها جنبه توصیه‌ای دارد، نباید فراموش کرد که در آنها به بحث جنایت علیه بشریت توسط دولت سوریه نسبت به معترضان اشاره شده، به عبارت دیگر یکی از پایه‌های تحقق یافتن دکتترین مسئولیت حنایت در حال پی ریزی قرار می‌گیرد. از طرفی در قطعنامه فوریه ۲۰۱۲، مجمع عمومی درگیری‌های مسلحانه سوریه را جزء مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی تشخیص داد و گروه‌های مسلح معارض را به عنوان شورشی شناسایی کرد، بر همین اساس در شمول ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ ژنو قرار می‌گیرند. جا دارد به این نکته حایز اهمیت که در قطعنامه ۲۰۱۲ مجمع عمومی بدان اشاره شده، توجه کرد بدین شرح که در قطعنامه، تمامی اقدام‌های خشونت آمیز بدون در نظر گرفتن عاملان آن محکوم شده و دولت سوریه هم به دلیل عدم خروج سلاح‌های سنگین و تانک‌ها از شهرها و نقض مکرر حقوق بشر محکوم شده است. در می ۲۰۱۳ مجمع عمومی در

^۱حق پرست، میثم، مداخله بردوستانه در پرتو اصل مسئولیت حمایت با نگرش اجمالی بر موضوع سوریه، نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۴۳، ۱۳۹۵، ص ۴۲.





تازه‌ترین قطعنامه خود که به ابتکار دولت قطر تنظیم و طرح می‌شود، اقدام‌های دولت سوریه را محکوم کرده و گروه‌های مسلح مخالف را شناسایی می‌کند، مساله مهم توجه به این مطلب است که این بار و برعکس سال ۲۰۱۲، صرفاً ۱۰۷ کشور به قطعنامه رای مثبت داده و ۲۶ کشور موافق سال گذشته این بار نظری ممتنع داشتند و ملاک رای اکثریت دو سوم آرا وفق ماده ۱۸ منشور مراعات نشد، که خود جای تامل بسیار دارد که یکی از دلایل آن را باید در اقدامات مغایر به موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نقض جدی قواعد حقوق بین‌الملل در این زمینه از سوی برخی از گروه‌های مسلح معارض همچون داعش و جبهه النصره دانست.

در مجموع باید گفت بر اساس تحلیل واقع‌گرایانه از رفتارهای شورای امنیت، منافع اعضای دائم شورا به شدت بر عملکرد این نهاد سایه افکنده است. اگرچه شورای امنیت به عنوان یک کل دارای شخصیت حقوقی مستقل از اعضای تشکیل دهنده آن است، اما مواضع مختلف آنها موجب می‌شود شورا در انجام وظیفه اصلی خود با اعمال حق و تو توسط هر یک از اعضای دایم، ناتوان شود.^۱ به منظور ارزیابی عملکرد شورای امنیت در قبال بحران سوریه، ضرورت دارد تا مواضع اعضای دایم شورا مورد بررسی قرار گیرد.

روسیه و چین به دلیل وتوی قطعنامه‌های پیشنهادی علیه سوریه در جلسات شورای امنیت با انتقادات بسیار شدیدی از سوی بانیان قطعنامه‌ها مواجه می‌شوند. این دو کشور به طور قاطع و جدی مخالف تصویب هرگونه قطعنامه‌ای علیه سوریه هستند که با الگو قرار دادن مدل لیبی، زمینه‌های مداخله نظامی در این کشور را فراهم آورد. این دو کشور در توضیح مواضع خود در مخالفت با تصویب قطعنامه‌ای از نوع قطعنامه ۱۹۷۳ علیه لیبی اظهار داشته‌اند که صدور چنین قطعنامه‌ای می‌تواند سوریه را در مسیر جنگ داخلی قرار دهد. بنابراین تنها راه حل بحران این کشور پاسخ دادن به درخواست مشروع مردم سوریه در محیطی عاری از خشونت و نقض حقوق بشر است. در حالی که الزامات اقتصادی و استراتژیک انکارپذیری فراسوی سیاست روسیه در قبال سوریه وجود دارد، تداوم مخالفت روسیه و چین منعکس کننده تضاد رویکردهای سیاسی و رد رویارویی مسلحانه داخلی مورد حمایت کشورهای قدرتمند بین‌المللی است. در مجموع روسیه و چین هرگونه اقدام در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد را که زمینه‌ساز تحریم و مداخله نظامی در سوریه خواهد شد، غیرقابل پذیرش دانسته و خواستار

^۱ موسی زاده، رضا و رنجبر، رضا، بررسی تطبیقی عملکرد شورای امنیت در قبال تحولات لیبی، یمن و بحرین از دیدگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره ۳، ۱۳۹۲، ص ۲۴.

حل و فصل مسالمت آمیز این بحران شده‌اند. آنها ضمن حمایت از اقدامات اتحادیه عرب، طرح ۶ ماده‌ای کوفی عنان و ماموریت سازمان ملل در سوریه، بر احترام به حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی این کشور تاکید کرده و مذاکره را بهترین راه حل بحران سوریه خوانده‌اند. فرانسه، انگلیس و آمریکا نیز از زمان آغاز بحران در سوریه، اقدامات خشونت آمیز و سرکوبگرانه در این کشور را وحشیانه و مصداق جنایت علیه بشریت خوانده و مواضع تندى علیه بشار اسد و دولت وی اتخاذ کردند. آنها از یک سو، با ارائه کمک‌ها و حمایت‌های مالی و سیاسی گروه‌های مسلح شورشی و تجهیز آنها به انواع تسلیحات جدید و پیشرفته و از سوی دیگر، با تهیه پیشنویس قطعنامه‌های متعدد و ارائه آن به شورای امنیت جهت تصویب نهایی در قالب جبهه واحدی علیه سوریه وارد عمل شدند. این کشورها با تشدید خشونت‌ها در سوریه به ویژه پس از حمله شیمیایی به حومه دمشق، در مواضع تندى خواستار اقدام نظامی علیه این کشور شدند، اما رای پارلمان بریتانیا در مخالفت با اقدام نظامی علیه سوریه به دلیل فشار افکار عمومی مانع از پیشبرد اهداف و منافع سه کشور عضو شورای امنیت شد تا جایی که رایزنی‌های سیاسی و دیپلماتیک برای دستیابی به راه حل منطقی در دستور کار قرار گرفت. فضای حاکم بر افکار عمومی جهان علیه اقدام نظامی در سوریه در کنار مخالفت‌های کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای اسلامی و در نهایت وتوی مکرر پیشنویس قطعنامه‌های پیشنهادی به شورا از سوی چین و روسیه موجب شد آمریکا و روسیه در سال ۲۰۱۳ در مورد طرح پیشنهادی روسیه مبنی بر نظارت بین‌المللی بر ذخایر سلاح‌های شیمیایی سوریه و امحای آن توافق کنند و بدین ترتیب با طرح یک راهکار سیاسی دیپلماتیک از حمله نظامی به این کشور ممانعت به عمل آمد.^۲ در مورد نقش سازمان‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌ها نیز باید گفت که یکی از سازمان‌های فعال در برخورد با نقض حقوق بنیادین انسان‌ها در بحران سوریه، نسبت به هر دو طرف درگیر، اتحادیه اروپا است که از جمله در سال ۲۰۱۲ علاوه بر مسدود کردن دارایی‌های بانک مرکزی سوریه و ممنوعیت پروازهای باری از سوریه به اروپا، محدودیت‌هایی در خصوص معاملات مربوط به طلا و سایر فلزات گرانبها وضع کرد. سپس در ۴ جون ۲۰۱۳ با تشدید تحریم‌ها مانند ممنوعیت سفر برخی از مقامات

^۱. دولت خواه، زهرا و امام جمعه زاده، سید جواد، دکترین مسئولیت حمایت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و سوریه، نشریه راهبرد، شماره ۷۷، ۱۳۹۴، ص ۸۳.

^۲. Gearan, Anne and Wilson, Scott, US, Russia Reach Agreement on Seizure of Syrian Chemical Weapons Arsenal, Retrieved February 27, 2014.





نظامی و سیاسی سوریه به ممنوعیت صادرات و واردات تجهیزات ارتباطی می‌پردازد.^۱ همچنین در اول مارس ۲۰۱۳ تحریم تسلیحاتی خود در سوریه را برای انتقال وسایل و تجهیزات نظامی به مخالفان دولت بشار اسد لغو می‌کند.^۲ در ۳۰ آوریل ۲۰۱۳ طی قطعنامه جدیدی محدودیت خود را برای فروش و اجازه واردات نفت خام برای تقویت مالی نیروهای مخالف دولت سوریه کاهش داده و به کشورهای عضو اجازه معامله و سرمایه‌گذاری در حوزه صنعت نفت با ائتلاف مخالفان را ادامه می‌دهند. در مورد کشور بحرین نیز یکی از مواردی که در جریان ناآرامی‌های بحرین قابل ذکر است استفاده نیروهای پلیسی و امنیتی از گازهای سمی برای سرکوب اعتراضات در این کشور است. بنا به گفته انجمن پزشکان حامی حقوق بشر از آغاز ناآرامی‌ها در این کشور بسیاری بر اثر استعمال گازهای سمی از جمله گاز اشک آور کشته شدند. بنا به گفته این نهاد در سال ۲۰۱۱ محققان این نهاد در بحرین به شواهدی دست یافتند که بیانگر این است که مقامات بحرینی از مواد شیمیایی نامعلوم در کنار گاز اشک آور استفاده کردند. پزشکان بحرینی در گزارشی به این نهاد بیان داشتند که در درمان مصدومانی که در اثر استنشاق گاز اشک آور آسیب دیده بودند، با علایم نامعلومی از جمله حمله و تشنج مصدومان مواجه شدند.

بعدها وزارت بهداشت بحرین درخواست پزشکان این کشور برای آزمایش بقایای محفظه‌های گاز اشک آور منفجر شده و بررسی مواد شیمیایی موجود در آن را رد کردند. شورای امنیت در جریان تحولات بحرین که از فوریه ۲۰۱۱ آغاز گشته هیچ واکنشی نشان نداده است که این خود بسیار تأمیل برانگیز می‌باشد. در واقع از اینجاست که اعمال استانداردهای دوگانه در رفتار شورای امنیت آشکار می‌شود و منافع سیاسی قدرت‌های بزرگ تأثیر خود را بر عملکرد نهاد متولی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، می‌گذارد. شورای امنیت در قضیه لیبی با تمسک به دکترین مسئولیت حمایت و در راستای حمایت از غیرنظامیان دست به مداخله نظامی در این کشور می‌زند، اما در مورد قضیه بحرین که اکثریت شیعی آن، توسط حکومت آل خلیفه در حال سرکوبی هستند، سکوت محض اعمال کرده و حتی با وجود واکنش مجامع حقوق بشری، حتی تاکنون هیچ بیانیه‌ای در محکومیت جنایات آل خلیفه صادر نکرده است.

1. Council of the European Union, the European Union and Syria, available at: Consilium. Europa. En/uedocs/ CMS DATA/docs/ press data/en for off 128379. Pdf.

^۲. خان احمد بیگی، سمانه، تأثیر سیاست آمریکا و اروپا در قبال بحران سوریه بر اختلافات فرا آتلانتیک، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره چهارم، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲۴.

نتیجه گیری

استفاده از سلاح شیمیایی یکی از مواردی است که سابقه دیرینه در تاریخ دارد و با این حال دارای تقبیح شدید و طولانی مدت نیز می‌باشد. استفاده گسترده از این سلاح در جنگ جهانی اول تا امروز، جامعه جهانی را بر آن داشت تا به تکاپو برای تصویب اسنادی جهت منع استفاده از آن بپردازد. آخرین تلاش در این مسیر تصویب کنوانسیون موسوم به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ بود. با این حال، در کنفرانس رم هنگام بحث از جرایم جنگی، سلاح شیمیایی از پیش نویس اساسنامه و ماده ۸ آن، حذف گردید. به همین جهت بر این عقیده شدند که با توجه به حذف جرم‌انگاری سلاح شیمیایی در کنفرانس رم، دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به بهره‌وری از بمب شیمیایی را دارا نمی‌باشد. به رغم این حذف، اساسنامه بهره‌گیری از سلاح سمی را جرم‌انگاری نموده است. به همین جهت، با توجه به متن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و تعریف این سلاح‌ها به نظر می‌رسد که این بمب شیمیایی در دید تدوین کنندگان کنوانسیون مذکور، مصداقی از سلاح سمی می‌باشد. این امر با توجه به کارکرد این سلاح‌ها که به صورت متصاعد نمودن سم‌های شیمیایی می‌باشد، نیز تایید می‌گردد. بنابراین، می‌توان با توجه به تعریف کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی از این سلاح، رابطه بین سلاح شیمیایی و سمی را عموم و خصوص مطلق دانست که هر سلاح شیمیایی نوعی سلاح سمی محسوب می‌شود. لذا، با توجه به مصداق یابی مذکور، استفاده از بمب شیمیایی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد. از طرفی تفسیر غایی اساسنامه رم و با توجه به سیاق کلی آن می‌توان بر این امر بود که دیوان کیفری بین‌المللی پیش شرط لازم برای اعمال صلاحیت نسبت به استفاده از این سلاح‌ها را دارا می‌باشد. دلیل دیگر نیز آن است که در زمان امکان توسل به شیوه‌های اصلی تفسیر مانند تفسیر لفظی و غایی، توسل به شیوه‌های کمکی مانند پیش‌نویس موجبی ندارد. از طرفی با توجه به الحاق بندهایی به ماده ۸ در کنفرانس بازنگری سال ۲۰۱۰، اکنون دیوان صلاحیت رسیدگی به استفاده از بمب شیمیایی و سلاح سمی را فارغ از آنکه در نزاع مسلحانه و یا بین‌المللی استفاده شود، دارا می‌باشد. به همین جهت در صورت ارجاع وضعیتی که در آن از بمب شیمیایی بهره برده شده است، دیوان می‌تواند وارد تحقیقات و رسیدگی شده و از این جهت مانعی بر راه دیوان وجود نخواهد داشت.

در همین خصوص و در رابطه با پیشنهادهاتی که می‌توان مطرح داشت باید گفت با توجه به آثار بسیار مخرب سلاح‌های شیمیایی و با توجه به رویه موجود و سابقه استفاده از این سلاح‌ها در طول



تاریخ نباید با تفسیر مضیق از قوانین دیوان کیفری بین‌المللی، این نهاد را صالح به رسیدگی شناسیم، چرا که از یک سو مراجع داخلی قوی برای برخورد با این موضوع وجود ندارد و عمدتاً حاکمیت که از سلاح شیمیایی استفاده می‌کند هرگز خود را مواخذه نخواهد کرد و از سوی دیگر نیز سازمان ملل توان ضمانت اجرایی قوی برای مقابله در دست ندارد. لذا بهترین راهکاری که پیشنهاد می‌شود به آن توجه شده و مورد دقت قرار گیرد، تفسیر موسع از صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری به نحوی است که شامل رسیدگی به استفاده از سلاح شیمیایی نیز بشود. همچنین با جدی شدن ضمانت‌های اجرایی سازمان ملل در سال‌های اخیر با توجه دکرترین مسئولیت حمایت که بر اساس آن قدرت‌های جهانی برای دفاع از حقوق بشردوستانه قدرت ورود به سازوکار دیگر کشورها را یافته‌اند میتوان در صورتی که این دخالت از دایره عدالت خارج نشود برای منع کامل استفاده از سلاح شیمیایی امید داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مأخذ

۱. اردبیلی، محمد علی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی، دایره المعارف علوم جنایی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲
۲. اردلان، اسعد، سلاح شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۹
۳. تروپه، میشل، فلسفه حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگه، ۱۳۹۰
۴. حق پرست، میثم، مداخله بردوستانه در پرتو اصل مسئولیت حمایت با نگرش اجمالی بر موضوع سوریه، نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۴۳، ۱۳۹۵
۵. خان احمد بیگی، سمانه، تاثیر سیاست آمریکا و اروپا در قبال بحران سوریه بر اختلافات فرا آتلانتیک، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم ۱۳۹۲
۶. دولت خواه، زهرا و امام جمعه زاده، سید جواد، دکترین مسئولیت حمایت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و سوریه، نشریه راهبرد ۱۳۹۴
۷. فن گلان، گرهارد، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمد حسین حافظیان، جلد دوم، تهران، میزان ۱۳۹۲
۸. کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، تهران، نشر جنگل ۱۳۹۴
۹. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیر حسین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹
۱۰. موسی زاده، رضا و رنجبر، رضا، بررسی تطبیقی عملکرد شورای امنیت در قبال تحولات لیبی، یمن و بحرین از دیدگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، ۱۳۹۲
۱۱. میر عباسی، سید باقر و سادات میدانی، سید حسین، دادرسی‌های بین‌المللی دادگستری، مسایل روز، چکیده آرا و اسناد، جلد دوم، تهران، نشر جنگل، ۱۳۸۷
۱۲. والاس، ربکا، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مهتاز بهراملو، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰
۱۳. هنکرتز، ژان ماری، دوسوالدیک، لوئیس، حقوق بین‌المللی بشردوستانه، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جلد اول، تهران، نشر مجد، ۱۳۷۸





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی